

کنکدوی عسکرت

داستان دهشتناک
یورش نوین شیاطین به ایران در آخرالزمان

روح الله ولی ابرقوئی

کندوی عنکبوت

مؤلف: روح الله ولی ابرقویی ○ ناشر: مشهور

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه ○ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک: ۸-۶۵۸-۹۶۴-۹۷۸ ○ قیمت: ۶۰۰۰ تومان



سرشناسه: ابرقویی، روح الله، ۱۳۵۸- ○ عنوان و نام پدیدآور: کندوی عنکبوت؛ داستان دهشتناک یورش نوین شیاطین به ایران در آخرالزمان / مولف روح الله ولی ابرقویی. ○ مشخصات نشر: قم: انتشارات مشهور، ۱۴۰۰. ○ مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م. ○ شابک: ۸-۶۵۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیفا ○ یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۷-۱۸۸. ○ عنوان دیگر: داستان دهشتناک یورش نوین شیاطین به ایران در آخرالزمان. ○ موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴ (Persian fiction -- 20th century) ○ داستان های مذهبی -- قرن ۱۴ (Religious fiction -- 20th century) ○ رده بندی کنگره، PIRA۳۳۴، رده بندی دیویی، ۳/۶۲۸ ○ شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۶۵۱۵



انتشارات مشهور

قم، جنب حرم مطهر، مجتمع فرهنگی تجاری قدس، طبقه پایین، پلاک ۵

۰۹۱۹۵۴۱۰۰۸۵ / ۰۲۵ - ۳۷۷۴۷۴۶۲

○ فهرست

۱۱..... طلعه

پرده اول

○ جلسه سری

۱۵..... خنده‌های خونی

۱۶..... کلاه خود قرمز

۱۶..... نور پیشانی

۱۸..... در نخ منجی

۲۲..... عفریته‌های قاضیه

۲۴..... هاله آتش

۲۵..... از هابیل تا سقیفه

۲۷..... پروژه تشکیلات

۲۹..... روح دلتنگ

۳۰..... رزمایش زمینیان

- ۳۲..... اسرار ملای زمینی
- ۳۶..... نفرت سران جنی از زعیم سوم
- ۳۸..... سلول‌های سمی تشکیلات
- ۳۹..... نخ تسبیح
- ۴۱..... ایران و چوب‌دستی ابلیس
- ۴۴..... فارس‌های تنومند
- ۴۵..... صحنه‌ ترور ایرانیان
- ۴۶..... خبر خوش ابلیس
- ۴۷..... نعره‌ ابلیس
- ۵۱..... چرخ‌دنده‌های کندو
- ۵۳..... طومارخوانی
- ۵۷..... زره جدید و یتیم عرشی
- ۵۸..... رزمایشی از خانه تا کوچه
- ۶۰..... خانواده‌ خدا
- ۶۰..... اطلس گداخته‌ ایران
- ۶۲..... نطق کلان لاقیس
- ۶۲..... سخنرانی رسانه‌ای خناس
- ۶۳..... پیشنهاد زیرکانه‌ قَفَنَدَر
- ۶۶..... نظر پایانی قفندر
- ۶۸..... نوزادان عریان بر سر نیزه
- ۶۹..... نبرد موریانه‌وار
- ۷۱..... بیست جوان یُغور
- ۷۴..... عملیات کندوی عنکبوت
- ۷۵..... کارگاه زنده‌ ابلیس

پردهٔ دوم

مناظره ○ ۷۷

- ۷۹..... نعمت‌های عینکی
- ۸۱..... سری که در قیامت بالاست
- ۸۲..... طلای المپیک و پارالمپیک
- ۸۳..... حافظ دو خطی
- ۸۵..... سفر خصوصی با حاج قاسم
- ۸۷..... روح مادر یوردی
- ۸۸..... سوزن گناه
- ۸۹..... پزشک متخصص و تعمیرکار
- ۹۰..... کجای قرآن آمده است
- ۹۱..... سقط جنین و جهان
- ۹۲..... دیهٔ بی‌روح
- ۹۳..... سرسره‌بازی با چادر گل‌گلی
- ۹۶..... خط گرفتن الهام
- ۹۷..... شبهه‌ی پوشکی
- ۹۹..... تقسیم سلول
- ۱۰۰..... شمارش ستاره‌ها
- ۱۰۲..... بیل و کلنگ و کوه دماوند
- ۱۰۶..... از هر دست بدهی از همان می‌گیری
- ۱۰۶..... آن روی سکه
- ۱۰۸..... گوسفند با برکت
- ۱۰۹..... ظرف آب جوجه
- ۱۱۱..... میدان مین

- ۱۱۳.....دومینوی گناه
- ۱۱۴.....دو سیخ کباب
- ۱۱۶.....ثروت فرزندآور یا کالاآور؟
- ۱۱۶.....نگاه هتلی
- ۱۱۹.....دست اندازهای طبیعی جاده
- ۱۲۱.....موانع دومیدانی
- ۱۲۳.....تب بیدار باش
- ۱۲۴.....بچه های نازک نارنجی
- ۱۲۷.....زندانی تاریک بعثی
- ۱۲۸.....از پهلوی تا موش آزمایشگاهی
- ۱۳۰.....سیلاب ملی یا حلی؟
- ۱۳۲.....فرزندان چینی
- ۱۳۳.....ماشینی که به خرج افتاده
- ۱۳۵.....همسایه گرسنه
- ۱۳۶.....نظام مقدس
- ۱۳۸.....از حق توحش تا استخر شیر شاه
- ۱۴۲.....از شاهین تا کشیدن چادر از سر زنان
- ۱۴۴.....اتوبوس کربلا و آنتالیا
- ۱۴۷.....آزیر قوه قضائیه
- ۱۴۷.....مبصر و اسم بچه های شلوغ
- ۱۴۹.....از مدینه النبی تا آتش سوزی کعبه
- ۱۵۱.....گذشتن از قاقالیلی
- ۱۵۱.....قطع پا و عمل قلب
- ۱۵۳.....بهمن بزرگ

○ طلعه

در مکتب ما حکایت نوزاد؛ این گوهر گهواره‌نشین بس عجیب است. حکایت این است که از زادگاه تا میعادگاه او یک آوردگاه است نه آسایشگاه. او نو عروسک نیست، بلکه نوسرباز است. پس رواست نیتی زیبا کرد و این نورسیده را با نام زینندهٔ مسلم، زینت دین احمدی و وقت قاموس اسلام کرد.

هنگامی که این حاجی یک روزه با قدم‌های کوچکش به عرفات خانواده قدم می‌گذارد، رسم معرفت آن است که برای او قربانی به زمین زد و این مُحرم نحیف را در هوای حریم الهی بیمه کرد. نوسفر صغیر را باید در همان مقدمهٔ قدومش با شعار و شعر زیبای توحید و ولایت؛ یعنی اذان و اقامه در وادی مشعر و شعور، وقوف داد تا این امانت الهی در دنیای ناامن در مأمن ایمان قرار گیرد.

چه نیکوست رسوم این نورسیده در روز هفتم حیات که او را به علامت عبد خدا و خادم امام، سر تراشیده و هم‌وزن موی خوشبوی سرش نقره به فقیر می‌دهند، تا با طلای حب دنیا نقره‌داغ نشود. البته با سرمایهٔ دعای پدر و مادر که باید در منای سجادهٔ مناجات برای این نوسرباز دین از آرزوی آمال زرین سر، باز نزنند و خوشا به حال مادری که منتظر تقدیم «قدم نورسیده مبارک» از قدیمی‌ها نیست و برای او مبارک آن است که از جبین نور دیده‌اش نور و فروغ

غلامی بدرخشد و به برکت شیرۀ جانش شیر زنان و شیر مردان رشید به بیشۀ ولایت پیشکش کند و چه مادرانی که به پای طفل نوپای خود قنடை می‌پیچند، به امید روزی که قنடை به دست، طومار خصم خدا را در هم بپیچد.

جان کلام آنکه چه سعادت مساعداً از آنکه در این روزگار سرد، گرمی خانه‌ها پرورش نوزادان سبک‌وزنی باشد که زمین را با ذکر و زاد خود سنگین کنند و گوی زمین و زمان را به سوی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بگردانند. عجایب مولود والدین، مثنوی هفتاد من کاغذ است و کسی توان درک آنها را دارد که پیشه‌اش فرزندپروری باشد.

در این مکتوب که برگ از دفتر اسرار تولید نسل انسان است، خواننده به فضای یک دایمان مهیج در حوزهٔ فرزندآوری و جمعیت سفر می‌کند که ارمغان آن ایجاد نگاهی نو و کشف شده و باز شدن گره‌های ذهنی او در این حوزه است و سرانجام، خواننده در انتهای این قصهٔ پرغصه با اندیشه و احساسی تازه مواجه شده و وجدان او در معرض آزمونی حیاتی قرار می‌گیرد.

در پایان به شکرانهٔ اتمام گام دیگر در مسیر جهاد تبیین، پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می‌سایم و به امید درج نام این حقیر بی‌قدر در فهرست شهدای راه خدا این خدمت قلیل را تقدیم می‌کنم به مادر مؤمنین: مهربان‌ترین گلی که با گلاب جانش به نوگلان گلستان احمدی جان بخشید و با گلبرگ‌های نیلوفرانه‌اش سفرهٔ ولایت‌مداری را گسترانید!

سوم بهمن‌ماه ۱۴۰۰

مصادف با بیستم جمادی‌الثانی ۱۴۴۳

سالروز ولادت حضرت زهراى مرضیه علیها السلام